



ایلغار اردبیلیچی* (دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

دریافت ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

پذیرش ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

شهرسازی و معماری ایران، تابستان (۱۴۰۳)، ۱ (۱)، ۲۳-۳۲

Abstract

Architecture has its own literature. It is called jargon. Form, space and place are the most used terms in describing, justifying and criticizing architecture. They are constantly used. My first exposure to these terms and others was when architecture was used; or to refer to a purpose or to refer to an example. I probably learned its approximate meaning that way. But until I saw their definition, I didn't know their exact meaning. Of course, if there was a definition. This issue of ambiguity of meanings sparked once again about the term historical context in the article Historical Context or Beheshti's Historical Area (2014) and became serious in the course of subsequent researches; What thing or things make us consider an area as a historical context. In short, what does the term historical context mean, or even shorter, what is historical context? The purpose of this question is to know exactly what it means, not in a vague and approximate way, that is, as some common and common specialized words fit in the mind. As a result, during the time of talking and commenting, it becomes unclear what is meant by this term and what cases are or are not examples of it.

چکیده

بافت تاریخی از واژگان مصطلح و پرکاربرد در ادبیات معماری است. این در حالی است که منظور از آن، حتی در نوشته‌های یونسکو و ایکوموس که اساساً سازمان‌های معطوف به شناسایی و حفاظت از آن هستند، از حدّ توصیف فراتر نرفته است. این یعنی بدون اینکه مشخص شود بافت تاریخی دقیقاً چیست، در موردش نظریه‌پردازی شده و حتی شناسایی و از آنچه که هست، حفاظت می‌شود. و همه‌ی اینها با اعتماد به تصویر مبهمی از آن است که گمان می‌شود بین‌الذهانی است. از این رو، این نوشتار در پی رفع این ابهام و تدقیق منظور از اصطلاح بافت تاریخی در قالب یک تعریف است. این گونه به جای وضع یک تعریف قراردادی از نزد خود، که روش رایج و صحیح در تعریف اصطلاحات است، تعریف بافت تاریخی با تدقیق تصویر مبهم موجود، حاصل می‌شود. بنابراین ابتدا واژگانی که در منابع، ویژگی‌های معرف بافت تاریخی‌اند، استخراج و بر اساس محتوا دسته‌بندی شدند. سپس امکان تطبیق همجواری نظری‌شان هم بررسی شد تا هم ویژگی‌های معرف جافتاده از توصیفات پیدا و هم مشخص شوند که کدام یک از شروط تعریف را تامین می‌کنند؛ این چنین معلوم می‌شود در کجای تعریف جنس و فصل که کاراترین نوع تعریف بر اساس هدف نوشتار حاضر است، باید قرار گیرند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بافت تاریخی میراث فرهنگی غیر منقول در قالب مجموعه اصیل و منسجم از فضاهاى تاریخی است که فرآیند شکل‌گیری آن ادامه دارد، نسبت فضاهاى تاریخ دورش به تاریخ نزدیک بیشتر و به طور بالقوه یا بالفعل مناسب زندگی روزمره است.

واژگان کلیدی: تعریف، بافت تاریخی، جنس و فصل

رشته‌ها از جمله معماری به طور تخصصی از این اصطلاح استفاده می‌کند. در ادامه منظور تلخیص، گزاره‌ها بر اساس محتوای‌شان گروه‌بندی می‌شوند تا در نهایت همگی در کنار هم ویژگی‌های معرف بافت تاریخی را در منابع به دست دهند. این‌ها در واقع بخشی از مصالح مورد نیاز برای تعریف بافت تاریخی هستند که در ادامه لازم است بر اساس محتوای‌شان، ضرورت تفکیک و همجواری نظری‌شان در کنار هم آزمون شود. این گونه استدلال شود که کدام شرط بافت تاریخی بودن را تأمین می‌کند. نتایج این استدلال، برآورده شدن شروط تعریف را از سوی هر محتوا را مشخص خواهد کرد که بر مبنای‌اش از یک طرف جایگاه‌شان در تعریف مشخص خواهد شد و از طرف دیگر این امکان را فراهم می‌شود که بررسی شود آیا همین‌ها شروط تعریف را تأمین می‌کنند یا نه؟ اینجاست که ویژگی یا ویژگی‌های جا افتاده را پیدا، شرطی را که برآورد می‌کنند، مشخص و در تعریف منظور می‌شوند.

چیستی تعریف

خندان (۱۳۹۹) به طور کلی تعریف را شناساندن یک چیز که می‌تواند متعلق به عالم زبان یا ذهن یا خارج باشد، می‌داند. ملکیان (۱۴۰۱) نیز به بیانی ساده‌تر، آن را تبیین معنا یا محتوای مفهومی یک تعبیر زبانی می‌داند. تعریف درست چهار شرط دارد: شرط اول این است که تعریف باید جامع افراد باشد. به این معنا که تمام مواردی را که آن تعبیر زبانی به آن ارجاع می‌دهد، پوشش دهد. در بیانی دیگر می‌توان چنین گفت که لازم است دانسته شود چه ویژگی یا ویژگی‌هایی لازمی وجود شایسته‌ی اعضای یک مقوله در قالب تعبیر زبانی است؛ به گونه‌ای که غیاب آن ویژگی عضویت اعضای آن مقوله را منتفی می‌کند. پس "الف" شرط ضروری "ب" است یعنی چیزی می‌تواند "ب" باشد که تنها اگر "الف" باشد. به بیان ساده‌تر، هر زمان که آن تعبیر زبانی مورد استفاده بوده، شرط لازم هم حاضر است. در مورد این شرط، مهم است که موارد احتمالی آینده هم منظور شوند. شرط دوم این است که مانع اغیار باشد. به این معنا که حداکثر امکان تمام موارد را که مرجع تعبیر زبانی نیستند یا به بیان دیگر، غیر هستند، از دایره شمولیت خود خارج کند؛ یعنی در تعریف یک تعبیر زبانی لازم هم هست که دانسته شود چه ویژگی‌هایی برای متمایز ساختن اعضای یک مقوله از مقوله‌ی دیگر کافی است. و این کمک می‌کند که دانسته شود هرگاه شرط کافی روی دهد، حتماً تعبیر زبانی هم حاضر خواهد بود^۱ (شکل ۱). شرط سوم این است که میزان ابهام تعریف زبانی و تعریف یکی باشد. به این معنا که تعریف واضح‌تر یا مبهم‌تر از تعبیر زبانی نباشد. البته این شرط برای تعریف تدقیقی صادق نیست. و شرط آخر این است که

معماری ادبیات خاص خود را دارد. همان که به آن ژانرگن گویند. فرم، فضا و مکان از پرکاربردترین اصطلاحات در توصیف، توجیه و نقد معماری هستند. مدام استفاده می‌شوند. اولین مواجهه من با این اصطلاحات و سایر موارد، آن زمان بود که معماری به کارش می‌گرفت؛ یا برای ارجاع به منظوری یا برای ارجاع به مصداقی. احتمالاً معنای تقریبی‌اش را هم همینطور آموختم. اما تا زمانی که تعریفشان را نجستم، معنای دقیق‌شان را نمی‌دانستم. البته اگر تعریفی وجود داشت. این مسئله‌ی ابهام معنای یک بار دیگر در مورد اصطلاح بافت تاریخی در مقاله بافت تاریخی یا پهنه‌ی تاریخی بهشتی (۱۳۹۴) جرقه زد و در جریان پژوهش‌های بعدی هم جدی شد؛ که چه چیز یا چیزهایی باعث می‌شود یک محدوده را به عنوان بافت تاریخی منظور کنیم. به بیان کوتاه، اصلاً و اساساً اصطلاح بافت تاریخی چه معنایی دارد یا حتی کوتاه‌تر، بافت تاریخی چیست؟ هدف از این پرسش این است که نه به صورت مبهم و تقریبی، یعنی آنطور که برخی واژگان تخصصی متداول و معمول در ذهن جا می‌گیرند، که دقیقاً دانسته شود معنای آن چیست. در نتیجه هم در زمان صحبت و نظر ورزی بین الاذهانی می‌شود که منظور از این اصطلاح چیست و هم چه مواردی مصداقش به شمار می‌آیند یا نمی‌آیند.

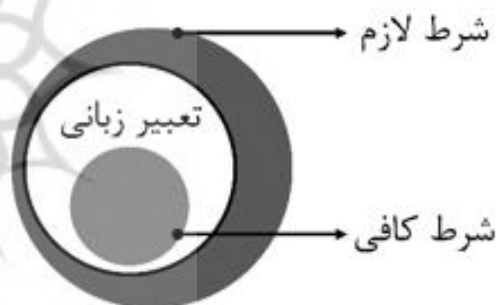
روش پژوهش

برای دستیابی به تعریف بافت تاریخی از یک طرف باید معلوم می‌شد که تعریف چیست تا چگونگی‌اش هم مشخص شود. از طرف دیگر هم باید مشخص می‌شد ویژگی‌های معرف بافت تاریخی کدامند. بنابراین دو مسیر موازی در پیش گرفته شد که نتایج یکی منجر به ادامه دیگر می‌شود. به بیان دقیق‌تر، ویژگی‌های حاصل در نتایج حاصل از بررسی تعریف نهاده می‌شود تا ارائه‌اش ممکن شود. بدین منظور ابتدا تعریف تعریف، شروط و انواع آن از فلسفه استخراج و در ادامه بر اساس هدف نوشتار، کاراترین نوع آن و مصالح مورد نیازش مشخص می‌شوند. در مسیر دوم، ویژگی‌هایی که در مورد بافت تاریخی در منابع ادبیات حفاظت آمده‌اند، گردآوری خواهند شد. تاکید بر این ادبیات از این جهت بود که این رشته بیش از سایر

می‌کنیم نمی‌خواهیم کاربرد استاندارد واژه‌ها را گزارش کنیم. اگرچه روشن است که نمی‌خواهیم از کاربرد استاندارد هم زیادی دور شویم.» (همان، ۵۰ و ۵۱). در این میان، تعریف ذات‌گرایانه را می‌توان نظریات خلاصه شده تلقی کرد. «یعنی تلاشی برای بیان نظریه‌ای درباره ماهیت آنچه تعریف می‌شود. بدین ترتیب ارزیابی یک تعریف ذات‌گرایانه مستلزم ارزیابی نظریه است که چنین کاری از پرسش‌های مربوط به معانی واژگان فراتر می‌رود.» تعاریف قراردادی و ذات‌گرایانه همیشه به منظور مشخصی پیشنهاد می‌شوند. این دو نوع تعریف صرف نظر از منظورشان باید طوری باشند که مخاطب نحوه کاربرد واژه تعریف شده را طبق معنای قراردادی یا ذاتی آن بفهمد. در نتیجه چنین تعریف‌هایی نباید مبهم یا دوری باشند.

در یک تقسیم بندی دیگر، انواع تعاریف شامل مترادفی، لغوی، اسمی، تدقیقی، همپایه ساز، کاربردی، اشاره‌ای یا مصداقی، بازگشتی، بافتاری، جنس و نوع، تحلیلی، تعیینی، ترغیبی، توصیه‌ای و عملیاتی هستند. از میان این انواع، تعاریف تدقیقی، همپایه ساز، جنس و نوع، تحلیلی، تعیینی و عملیاتی در ادبیات تخصصی رشته‌ها، بیشتر کاربرد دارند؛ چرا که تعریف مترادفی صرفاً بر این اساس معرفی شده که بگوید واژه و معنا شأن دستوری یکسان داشته باشند؛ مثلاً هر دو اسم هستند و تعریف اسمی هم مختص اسمی است. از طرف دیگر، تعریف مصداقی، در اشاره به مصداق اصطلاح است که بیان می‌شود. تعریف بازگشتی هم خاص اصطلاحات است که از نظر منطقی متعدی هستند؛ یعنی نسبت الف با ب و نسبت ب با ج، باعث خواهد شد الف هم با ج نسبت داشته باشد. به همین دلیل، در این نوع، تعریف به سلسله می‌افتد. تعریف بافتاری و کاربردی هم معنا را در جا و زمانی که استفاده می‌شود، می‌آورد. تعریف ترغیبی ساحتی معرفتی-عقیدتی دارد که به موجب احساس مثبت یا منفی ایجاد می‌شود. و از طرف دیگر تعریف توصیه‌ای صرفاً جایگزینی برای حفظ ادب پیشنهاد می‌کند. در این میان ولی، تدقیقی، تعریفی است دقیق‌تر از آن سطح پذیرفته شده از ابهام در تعاریف. در واقع این نوع، تعریفی دقیق‌تر از برداشتی که معمولاً در ذهن هست ارائه می‌شود تا امکان بحث را فراهم کند. تعریف همپایه ساز هم یک مفهوم نظری را با مفاهیم غیرنظری و تجربی معادل می‌کند. تعریف جنس و نوع یا جنس و فصل، ابتدا جنس اصطلاح؛ یعنی دسته بزرگتری که اصطلاح ذیل آن قرار دارد، می‌آید و سپس فصل اش؛ یعنی آنچه این را از دیگر موارد جنس متمایز می‌کند. تعریف تحلیل برای اصطلاحاتی است نسبت عام و خاص شان، برابری و بیشتر در منطق و ریاضیات کاربرد دارد. در نوع تعیینی هم این شخص تعریف کننده است که می‌گوید هر جا از این اصطلاح

تعریف نباید دوری باشد. (ملکیان، ۱۴۰۱؛ خندان، ۱۳۹۹، ۹۳-۸۰؛ کرول، ۱۳۹۴، ۲۰). نکته مهم دیگر در تعریف تعبیر زبانی این است که باید میان مفاد یا مضمون تعبیر زبانی و مرجع یا مصداق آن تفکیک قائل شد. مفاد یا مضمون «چیزی است که وقتی معنای واژه را می‌فهمیم، در می‌یابیم و مرجع یک واژه، مجموعه چیزهایی هستند که واژه به آنها ارجاع می‌دهد» (هیوز و دیگران، ۱۴۰۰، ۴۹). به عنوان مثال در مورد واژه یا تعبیر زبانی معماری معاصر، تعریفی که از آن ارائه می‌شود، مضمون آن است و تک تک بناهایی که مشمول این تعریف می‌شوند، مصداق آن. نکته دیگر در مورد تعریف این است که ارائه‌ی معنای تعبیر زبانی به کاربرد و سیاق آن وابسته است (همان). برای مثال تعریف معماری معاصر در ادبیات تخصصی معماری یا بافت تاریخی در ادبیات تخصصی حفاظت از آنچه که در یک مشاوره املاک منظور می‌شود، می‌تواند متفاوت باشد.



شکل ۱- ارتباط میان شروط لازم و کافی و مصداق قابل طرح ذیل تعبیر زبانی مشخص (منبع: نگارنده).

تعریف می‌تواند با اهداف مختلفی پیگیری شود. هیوز و دیگران (۲۰۱۵) انواع تعاریف را بر اساس هدف، تعریف گزارشی، قراردادی و ذات‌گرایانه می‌دانند و می‌نویسند «در مورد اهداف مختلفی مانند انجام تحقیقات ... قرارداد کردن برای واژگان کلیدی مفید خواهد بود.» (۲۰۱۵، ۱۵)؛ چرا که در این صورت می‌توان از واژگان معنای دقیق‌تری را ارائه داد. «در تعریف قراردادی طبق قراردادی که می‌کنیم، مشخص می‌کنیم که واژگان مد نظر در چه معنایی به کار برده می‌شود. در این صورت معنای وضع شده به روشنی بیان شده ... و با خطر بدفهمی مواجه نخواهیم بود.» (همان). و «هنگام که چنین کاری

تاریخی می‌خواند، می‌بیند.

در تعریف لغوی تاریخی در فرهنگ دهخدا (۱۴۰۲) این مفهوم یک صفت نسبی دانسته شده که ارجاع به آنچه که قابل ذکر در تاریخ باشد دارد و در فرهنگ معین (۱۴۰۲) در معنای قدیمی و بسیار قدیمی نیز آمده است. بر این اساس این مفهوم در ترکیب واژگانی بافت تاریخی می‌تواند صفتی باشد که به شایستگی اشاره دارد یا معرف زمانی است. بر این اساس، در یک تعریف لغوی می‌توان بافت تاریخی را مجموعه‌ای به هم پیوسته از بناها از نظر کالبدی و غیر کالبدی دانست که قدیمی است و احتمالاً به همین دلیل ارزش ثبت شده شدن در تاریخ را دارد.

ولی موضوع در ادبیات تخصصی حفاظت، به عنوان مهم‌ترین رشته معطوف به بافت تاریخی، قدری پیچیده‌تر است. تحلیل محتوای منابع مطالعه شده در مورد آن ویژگی‌هایی که معرف بافت تاریخی‌اند، یا باید معرف بافت تاریخی قرار گیرند (جدول ۱)، نشان می‌دهند که گاهی در تعریف بافت تاریخی تکیه بر مفهوم بافت و گاهی تکیه بر مفهوم تاریخی است. در این میان برخی از منابع نه بر واژگان سازنده مفهوم؛ که بر ویژگی‌های آن توجه داشتند.

شرح یافته‌ها

این جدول نشان می‌دهد که فارغ از شباهت‌ها و تفاوت‌ها، در تمامی موارد، بافت تاریخی مفهومی مدرن و حاصل تفکر مدرن است. همچنین نشان می‌دهد که دو تعریف قابل تمایز از آنچه می‌توان بافت تاریخی دانست، وجود دارد. البته این موضوع جدیدی نیست. بسیاری هستند که اشاره به یک تغییر پارادایم در ادبیات حفاظت کردند. این تغییر خود را در این بررسی که مراد از بافت تاریخی چیست، هم نشان می‌دهد. تعریف اول، تعریفی است که در منشور ونیز (۱۹۶۴) و واشنگتن (۱۹۷۸) اشاره شده است. در هر دو این تعاریف، تکیه بر مفهوم تاریخی مبنا بوده است و مطابق آن، بافت تاریخی هر آن بخشی از شهر یا روستاست که از گذشته به ما به ارث رسیده است. این در حالیکه در سایر اسناد، تعریفی قدری متفاوت از بافت تاریخی ارائه شده است. در این تعریف که به نظر می‌رسد از سال ۱۹۷۲م. حاضر بوده است^{۱۱}، بیشتر، ویژگی‌های بافت تاریخی مبنای تعریف بوده‌اند؛ هرچند که در سه سند به مفهوم بافت یا تاریخی هم توجه شده و در یک سند فقط به یکی از این دو تکیه شده است. در این تعریف، بافت تاریخی آن چیزی دانسته می‌شود که منحصرأز آن گذشته نیست، موجودیتی زنده و پویا داشته و فرآیند شکل‌گیری آن ادامه دارد. یعنی دیگر صحبت از یک مقطع زمانی در گذشته نیست؛

استفاده کردم، منظور این است که... و تعریف عملیاتی هم تعریفی است که یک مفهوم نظری را با استفاده از ابزار تعریف می‌کند (ملکیان، ۱۴۰۱).

بنابر انواع تعاریف، به طور قطع، آنچه برای این نوشتار نیاز است تعریف قراردادی است و البته که همه این تعاریفی که در ادبیات تخصصی کاربرد دارند به جزء تحلیلی، می‌توانند مبنا قرار گیرند ولی از جایی که برای برآورد هدف پژوهش، علاوه بر علم به چیستی بافت، لازم است به این که چه نیست هم رسیده شود، تعریف جنس و فصل کارا تر خواهد بود. اینجا جنس شرط لازم و فصل شرط کافی تعریف را تأمین خواهد کرد. البته به نظر نگارنده این نوع هم، تعریفی دقیق‌تر از آنچه معمولاً در ذهن افراد در حاله‌ای از ابهام وجود دارد، ارائه خواهد داد و در صورت نیاز در بخش جنس یا فصل مفاهیم تجربی و ابزارها را هم به کار خواهد گرفت. از این رو ترکیبی از انواع تعاریف را در قالب یکی شان خواهد داشت. بنابراین برای تعریف بافت تاریخی آنچه نیاز است، ویژگی‌ها؛ در قالب صفت یا در قالب آنچه به با یا بدون ابزار به تجربه می‌آیند، است.

تصویر بافت تاریخی در ادبیات موضوع

کمتر مطالعه‌ای در مورد بافت تاریخی وجود دارد که نیاز دیده باشد در ابتدای پژوهش مرادش را از بافت تاریخی بنویسد. شاید این موضوع برخاسته از این باشد که به طور حدودی می‌دانیم زمانی که از مفهوم بافت تاریخی استفاده می‌شود، مصداقش به طور تقریبی چیست.

این مفهوم مرکب از دو واژه‌ی بافت و تاریخی است. در تعریف لغوی بافت آمده است: «مجموعه‌ای به هم پیوسته یا مجموعه‌ای شبیه به هم که عمل مشترک انجام می‌دهند.» (معین، ۱۴۰۲). بر این اساس می‌توان استدلال کرد که در مورد بافت تاریخی، بافت مفهومی است که به کیفیت به هم پیوستگی یا شبیه بودن و اشتراک ارجاع دارد. در مورد بافت تاریخی این ارجاع می‌تواند متأثر از ویژگی‌های کالبدی و عملکردی باشد؛ و به نظر می‌رسد به همین دلیل است که بهشتی (۱۳۹۸) بافت تاریخی را موجودیتی در هم تنیده از ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی می‌داند و همین در هم تنیدگی کالبدی و غیرکالبدی را معیار تمایز آن از چیزی که منطقه

کلیدواژگان تعریف یا توصیف معطوف به مفهوم			توصیف یا تعریف	سال	نویسنده / نویسندگان
بافت	تاریخی	ویژگی بافت تاریخی			
-	هر میراث به ارث رسیده از گذشتگان به نسل حاضر	-	آنچه از گذشته به ما رسیده چه میان مایه چه فاخر	۱۹۶۴	منشور ونیز
فرآیند شکل‌گیری مداوم			بافت تاریخی صرفاً چیزی از گذشته نیست.	۱۹۷۲	سمپوزیوم بین‌المللی معرفی معماری معاصر در میان گروه بناهای تاریخی
	هر میراث به ارث رسیده از گذشتگان به نسل حاضر		چیزی است از آن گذشته	۱۹۸۷	منشور واشنگتن
فرآیند منسجم، شکل‌گیری آرام تا پیش از مدرنیته	-	-	مفهوم میراث فرهنگی مفهومی مدرن است. ... ارزش‌های آن در دو گروه قابل تقسیم هستند: ارزش‌های فرهنگی ارزش‌های معاصر. این دو به انسجام اشاره دارند که حاصل رشد آرام‌اند و یک اتحاد ایجاد می‌کنند.	۱۹۹۸	فیلدن و یوکیلهتو
قابلیت ثبت در لیست آثار ملی	از ۱۳۰۰ ه.ش. به قبل	-	به بناهایی و مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که پیش از ۱۳۰۰ ه.ش. تشکیل شده و به ثبت آثار ملی رسیده باشند یا این قابلیت را داشته باشند.	۲۰۰۸	عالی و تاجیک
فرآیند شکل‌گیری پویا		ترکیبی از آفریده‌ها و تولیدات	بافت تاریخی صرفاً چیزی از گذشته نیست. ... ترکیبی است از آفریده‌ها و تولیدات در طول زمان	۲۰۰۸	بیانیه‌ی کبک
پویایی	-	-	ارزش‌های میراث پویا هستند و معطوف به تغییر در گذر زمانند.	۲۰۰۹	باندارین ⁱⁱⁱ
فرآیند منسجم، شکل‌گیری پویا	-	-	امروزه روشن است که مفهوم گروه‌بناها، مجموعه‌های تاریخی یا بخش مرکزی شهرها که آن‌ها را موجودیت‌های جدا در کلیت بزرگ‌تری می‌دیدیم دیگر برای حفاظت از کاراکتر و کیفیت آن‌ها در برابر تکه تکه شدن، پس‌روی و در نهایت از دست دادن ارزش‌ها کافی نیست. ... از این رو، روابط، تداوم و ارزش‌ها، یا به بیان دیگر انسجام معیار کلیدی است. ... [بنابراین] ظهور یک پارادایم جدید ... دیگر قابل مشاهده است. ... که در آن به سمت فرایندهای پویاتری رفته‌ایم که طبق آن حفاظت از ارزش‌های فرهنگی نقش کلیدی دارد و به تمامی نسل‌های گذشته حال و آینده توجه می‌شود. ... اثر تاریخی ادامه‌دار تغییر یابند.»	۲۰۱۰	اوتز ^{iv}
موجودیتی پویا، منسجم، فرآیند شکل‌گیری مداوم و افزایشی	-	-	ما باید اعتراف کنیم که شهرهای تاریخی تا زمان ظهور مدرنیته هرگز تاریخی نبودند ... ما فرایند فنی شدن و تفکیک ساختارهای کالبدی را در جریان تکامل مداوم و افزایشی یا تغییر فرم در طول زمان ستایش می‌کنیم. ... بافت شهری موجودیتی پویاست که ساختارهای ثابتی ندارد.	۲۰۱۰	بیانکا ^v
منسجم، فرآیند تکاملی مداوم	-	-	تاریخی فقط به عنوان چیزی قدیمی دریافت نمی‌شود. ... موضوع کلیدی در تعریف و تعیین منظر شهری تاریخی قطعاً باید انسجام باشد. انسجام الزاماً مربوط به کیفیت‌هایی است که ارزشمند هستند. و ... اشاره به چیزهایی دارد که در طول تکاملی مکان در طول زمان دوام یافتند. ... مورد الزام آور تعریف منظر فرهنگی توجه به لایه‌های تاریخی و تکامل آنها در طول زمان است.	۲۰۱۰	یوکیلهتو
-	گذر حدود سه نسل (۸۰ سال)	-	آنچه که تاریخی محسوب می‌شود ممکن است در جهان جدید در مقایسه با جهان کهن متفاوت باشد. بر مبنای یک تعریف کارا می‌توان گفت جاهایی قدیمی هستند که نتوان کسی را یافت که آنجا را بشناسد؛ که از نظر زمانی چیزی بیشتر از ۸۰ سال است این دوره سه نسل طول می‌کشد.	۲۰۱۰	آدام
عدم ثبات	-	-	-	۲۰۱۰	دوچ ^{vi}
فرآیند تکامل مداوم	-	-	مفهوم میراث از چیزی مرتبط با گذشته فراتر و به سمت خط زمانی گذشته، حال و آینده رفته است که ماهیتی بازگشتی دارد. ... این تغییر، باز نمود تغییر	۲۰۱۰	رودول



			تمرکز بر ابروها که نیاز به حفاظت دارند به سمت فرایندهای است که نیاز به احیا و پایدار شدن دارند. ... به موضعی از تکامل اشاره دارد.		
کادر	۲۰۱۰	-	-	سایت‌های تاریخی ماهیت پویا دارند ... به این دلیل که در طول زمان از سوی شرایط متفاوت اجتماعی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی شکل می‌گیرند	پویایی
زانچتی و هیداکا	۲۰۱۲	-	-	سایت‌های میراث شهری محوطه‌های زنده‌ای هستند ... و فرآیندهای پویا، دوام‌شان را ممکن می‌کند و ... این است که آنها را زنده و در معرض تغییر مداوم قرار می‌دهند.	فرآیند شکل‌گیری پویا
عبدی و دیگران	۲۰۱۲	-	-	هر آن‌چه از گذشته باقی مانده و دارای ارزش نگهداری است.	ارزش نگهداری
شورای عالی شهرسازی و معماری ایران	۲۰۱۷	بردارنده عناصر و مجموعه‌های تاریخی و ارزشمند، با شبکه‌ای از معابر در هم تنیده و دارای فضاهای عمومی، مجموعه‌ای یکپارچه	دوره‌هایی تاریخی، متاخر و واجد ارزش	محدوده‌های تاریخی-فرهنگی به بخش یا بخش‌هایی از شهر اطلاق می‌شوند که منعکس کننده ارزش‌های تاریخی-فرهنگی شهر بوده و شکل آن‌ها، حاصل تعامل مکان (جغرافیا و بوم)، زمان (تاریخ) و باور (اعتقادات) در رابطه با انسان در یک پهنه زیستی در طول تاریخ می‌باشد. این محدوده‌ها که به لحاظ ویژگی‌های شکلی، ساختاری و ارزش‌های تاریخی-فرهنگی از سایر پهنه‌های شهری متمایز، قابل تشخیص و مستلزم شناسایی بوده، توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌شوند. محدوده‌های تاریخی-فرهنگی شهرها با توجه به ویژگی‌های شکلی (ریخت شناسی)، عناصر و اجزاء متشکله و ساختارهای فرهنگی-اجتماعی‌شان قابل شناسایی هستند. این محدوده‌ها، همچنین کلیه نظامات وابسته به آنها (نظام طبیعی، قنوت و ...) نیازمند توجه ویژه در نظام سیاست گذاری، برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی توسعه شهری هستند. اطلاق محدوده‌های تاریخی-فرهنگی به معنای توجه صرف به یک دوره از تاریخ و معطوف به گذشته‌های دور نیست، بلکه به تمامی پهنه‌های ارزشمندی اشاره دارد که حتی در دوره‌های متاخر برپا شده و واجد ارزش هستند. محدوده‌های تاریخی-فرهنگی شهرها، به عنوان میراث فرهنگی یک ملت، سازنده اصلی منظر تاریخی شهری، بیانگر ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی اند؛ لذا توجه توأمان به حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس و میراث فرهنگی ملموس و میراث تاریخی-طبیعی، در داخل بافت این محدوده‌ها ضروری است. محدوده‌های تاریخی-فرهنگی، به منزله بخشی جدایی‌ناپذیر از پیکره و استخوان‌بندی شهر امروزی؛ لذا پرداختن به موضوع حفاظت و احیاء این پهنه‌های ارزشمند، باید با رویکردی جامع‌نگر در مقیاس شهر و سرزمین پیرامونی مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد بایستی متضمن تقویت و استمرار رابطه همه جانبه محدوده‌ها با کل شهر باشد. این محدوده‌ها واجد آموزه‌ها و ویژگی‌های قابل تسری به بخش‌های جدید توسعه شهری هستند. محدوده‌های تاریخی-فرهنگی، به منزله پهنه‌های در بردارنده عناصر و مجموعه‌های تاریخی و ارزشمند، با شبکه‌ای از معابر در هم تنیده که ساختار و سازمان فضایی بافت را تشکیل می‌دهد، شناخته می‌شوند. این بافت‌ها دارای فضاهای عمومی ویژه‌ای هستند که همواره مکان رویدادها و قلمرو تعاملات اجتماعی بوده‌اند. محلات قدیمی و تاریخی نیز، پهنه‌های سکونت را در این محدوده‌ها تعریف می‌کنند؛ لذا حفاظت از اصالت و یکپارچگی در همه ابعاد در فرایند حفاظت و احیاء این محدوده‌ها ضروری است. محدوده‌های تاریخی - فرهنگی شهرها، مجموعه‌ای یکپارچه است...»	منعکس کننده ارزش‌های تاریخی-فرهنگی شهر، حاصل تعامل مکان، زمان و باور، بیانگر ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی

و یکپارچگی^{xv} اثر را تعریف می‌کند که منعکس‌کننده‌ی ارزش‌های آن‌اند (ایکوموس، ۲۰۱۱). در این تعریف از انسجام، کلیت به تمامیت صفت‌های موجود در اثر و یکپارچگی به تمامیت صفت‌های از بین رفته یا موجود تا زمان حال اشاره دارد. بر این اساس برای آزمون شرایط انسجام باید اثر یک) شامل تمامی عوامل مبین ارزش‌های اثر باشد، دو) به اندازه‌ی بسنده‌ای برای اطمینان از بازنمود ویژگی‌ها و فرایندها باشد و سه) آسیب دیده از اثرات توسعه یا نادیده‌انگاری‌ها نباشد.

بنابراین در تعریف مفهوم بافت تاریخی بر اساس مطالعات مطرح شده و ارجاع به مفاهیم مطرح در تشخیص میراث تاریخی توسط سازمان‌های مرجع می‌توان گفت بافت تاریخی، بخشی از بافت شهری یا روستایی که موجودیتی اصیل و منسجم از نظر کالبدی و غیر کالبدی از مجموعه بناهای تاریخی است که در گذشته شکل گرفته و فرآیند شکل‌گیری آن ادامه دارد.

ولی باید به دو نکته در مورد این تعریف توجه شود. اول اینکه، در این تعریف تاریخی می‌تواند هر زمان باشد. به بیان دیگر، معیار تاریخی بودن بسیار متغیر می‌تواند باشد. به عنوان مثال، سازمان میراث تاریخی انگلستان (۲۰۲۳) تنها آثار ساخته شده قبل از ۱۷۰۰م. را ثبت می‌کند. در حالی که در قانون ثبت آثار ملی در ایران به دوره‌ی زندگی به قبل؛ یعنی معادل قرن ۱۸ میلادی به قبل، اشاره می‌کند و وزارت میراث فرهنگی در آیین‌نامه فرهنگی هنری تاریخی نهادهای عمومی و دولتی (۱۳۸۱) از بازه زمانی خاصی صحبت نکرده است. در این میان در آثار ثبت شده در لیست میراث جهانی می‌توان شاهد تاریخ‌های متأخرتری بود. به عنوان مثال، آثار آنتونی گائودی در سال ۱۹۸۴م. ثبت جهانی شده‌اند. در حالی که باسلیکا گردا فامیلیای او در سال ۱۸۸۲م. آغاز شده و ساخت آن هنوز ادامه دارد و طرح پارک گوئل در سال ۱۹۰۰م. آغاز و ۱۹۱۴م. تکمیل شد.

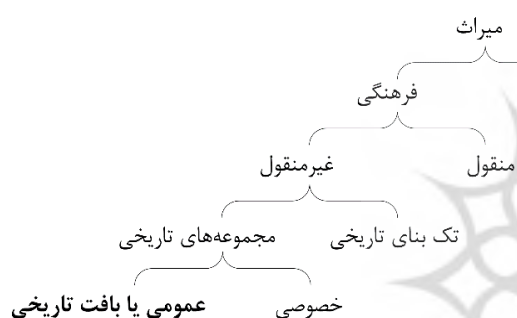
دوم اینکه کیفیت تجسم این ویژگی‌ها و تمامیت‌شان یا همان اصالت و انسجام‌شان ویژگی‌های صفر و یک نیستند. به این معنا که چنین نیست که بافت تاریخی یا اصیل است یا نه؛ یا منسجم است یا نه. این دو ویژگی را بهتر است در یک طیف تعریف کرد. همان‌طور که گفته شد روش‌های توسعه مانند افزودن معماری معاصر به بافت تاریخی هم بر اصالت هم بر انسجام می‌تواند اثر منفی داشته باشد ولی این اثر منفی انسجام یا اصالت آن را به طور کلی از بین نمی‌برد بلکه در مواردی کیفیت‌شان را تقلیل می‌دهد. دلیل توصیه به حداقل مداخله در روش‌های مختلف حفاظت هم همین است. در غیر این صورت برای حفاظت از اصالت و انسجام باید مانع هرگونه مداخله شد؛

بلکه صحبت از خط زمانی است که از گذشته شروع و تا حال و آینده ادامه دارد. این تعریف، در مطالعات اوئرز (۲۰۱۰)، بیانکا (۲۰۱۰)، فیلدن و یوکیلهتو (۱۹۹۸) با طرح مفهوم انسجام به عنوان یک ویژگی بافت تاریخی همراه بوده است. هرچند که منظور از انسجام در این پژوهش‌ها به طور دقیق مشخص نشده است ولی این جمله فیلدن و یوکیلهتو که «یک محوطه‌ی تاریخی را، که حاصل رشد و توسعه آرام است، می‌توان به کمک انسجام تعریف کرد که عموماً به تمامیت‌های مادی ارجاع دارد (۱۹۹۸، ۱۵) نشان می‌دهد که این ویژگی بافت تاریخی در نزدیکی با معنای لغوی بافت است. مجاورت ویژگی پویایی در کنار توجه به مفهوم بافت، در کبک (۲۰۰۹) هم دیده می‌شود. در پژوهش آدام (۲۰۱۰) مجاورت دیگری مطرح شده است؛ این مجاورت در ارتباط با معنای تاریخی است. آدام (۲۰۱۰) هم چیزی بیشتر از ۸۰ سال را معیار تاریخی بودن می‌داند؛ حدوداً ۳ نسل.

در این میان سه سازمان مرجع؛ یونسکو، ایکوموس و ایکروم، هر سه در زمان صحبت از بافت تاریخی به سه مولفه‌ی به هم مرتبط ارجاع می‌دهند: ۱. ارزش^{vii}، ۲. اصالت^{viii} و ۳. انسجام^{ix}. تا پیش از سال ۲۰۰۵م. «اصالت برای توصیف سرمایه‌هایی ... استفاده می‌شد ... که از نظر مادی منحصر به فردند ... فرآیندی که اصالت را به وجود می‌آورد، فرآیند منحصر به فردی از زمان خود است و شامل اثرات عبور آن در طول تاریخ می‌شود.» (ایکروم، ۱۹۹۸). بنابراین بر چهار نوع اصالت در طرح، مصالح، ساخت و بستر متکی است. این در حالی است که امروزه، اصالت شامل جنبه‌های ناملموس هم می‌شود (ایکوموس، ۲۰۱۱). این بار اصالت در ارتباط میان ویژگی‌های اثر تاریخی و ارزش‌ها جستجو می‌شود؛ اینکه اثر تا چه حد با ویژگی‌های ملموس و ناملموس خود، یا کالبدی و غیر کالبدی‌اش، متأثر از دانش زمان، ارزش‌ها را منعکس می‌کند. این ویژگی‌ها این بار شامل فرم و طرح، مواد و مصالح، کاربری و عملکرد، سنن، تکنیک‌ها و سیستم‌های مدیریت، موقعیت^x، زبان و سایر شکل‌های میراث ناملموس؛ روح^{xi} و احساس^{xii} می‌شود. انسجام بر اساس سند دستورالعمل‌هایی برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی^{xiii} (۲۰۰۵) سنجیده می‌شود که کلیت^{xiv}



مجموعه بناهایی که میانشان ساختارهای جدیدتر قرار گرفته‌اند؛ منفصل، تقسیم کرد. اما این تقسیم بندی با برداشتی که از مفهوم تاریخی بودن وجود دارد، همساز نیست. دیگر یک بنا الزاماً نباید در گذشته‌ای دور ساخته شده باشد تا تاریخی به شمار آید و بنایی که به تاریخ متأخرتر هم تعلق دارد، می‌تواند تاریخی باشد. هرچند که در حال حاضر سنجه دقیقی برای تاریخی متأخر تعریف نشده؛ اینکه بنای یک روز قبل هم تاریخی به شمار می‌رود یا نه، ولی به نظر می‌رسد می‌توان بر مبنای نسبت میان بناهای تاریخی دیرتر از متأخر به متأخر مجموعه‌های تاریخی عمومی را که این نسبت برایشان بیشتر از یک است بافت تاریخی و کمتر از یک باشد پهنه تاریخی دانست^{xvi} که در واقع اشاره به وجود بناهای تاریخی در یک بافت شهری دارد (شکل ۲). با این وجود نمی‌توان ادعا کرد که مجموعه بناهای تاریخی عمومی معادل بافت تاریخی است.



شکل ۲: تقسیم‌بندی میراث جهانی و جایگاه بافت در آن (منبع: نگارنده).

به نظر می‌رسد حالا می‌توان شروط لازم و کافی بافت تاریخی را ارائه داد. شکل ۲ نشان می‌دهد که هرگاه مصادیق بافت تاریخی برقرار شود با یک میراث فرهنگی غیرمنقول در قالب مجموعه عمومی مواجهیم. بنابراین برای اینکه مصداقی، بافت تاریخی خوانده شود باید این شرایط برآورده شود. البته این بدین معنا نیست که با برآورده شدن این شرایط تضمین می‌شود که بافت تاریخی خواهیم داشت. پس می‌توان ادعا کرد این شروط، شروط لازم یا جنس بافت تاریخی هستند و یک مصداق، بافت تاریخی است فقط اگر میراث غیرمنقول ملموس در قالب مجموعه عمومی باشد. شروط مذکور در بطن خود شروط دیگری را هم دارند. به عنوان مثال میراث فرهنگی بودن به دنبال خود اصالت و انسجام را همراه می‌آورد. مجموعه بودن هم به همراه کل بودن قابل طرح است. بنابراین باید این موارد را هم در ذیل شرط لازم دید.

به علاوه، با توجه به مشخصه‌های بافت تاریخی در جدول ۱ می‌توان ادعا کرد که اگر این میراث فرهنگی غیرمنقول که قالب مجموعه‌ای عمومی را دارند، نسبت بناهای تاریخ دورش به تاریخ

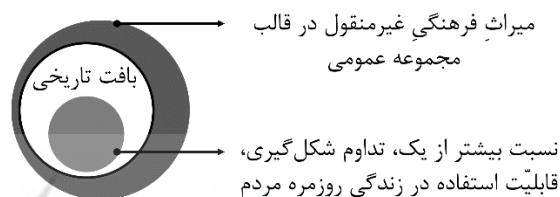
چرا که مداخله در هر صورت آسیب رسان است. به بیان دیگر، اگر مداخله حتی به منظور حفاظت، اصالت و انسجام را از بین ببرد، برای حفاظت از این ویژگی‌ها مداخله اجتناب‌ناپذیر است. از طرف دیگر اقدام یونسکو در ثبت آثار تاریخی در لیست میراث جهانی و در صورت آسیب به ویژگی‌هایش در لیست آثار در معرض خطر و در صورت از بین رفتن ویژگی‌ها خروج آن از لیست هم دلیلی بر این مدعاست. تصویر طیفی از اصالت و انسجام از جنبه‌ی تعریف بافت تاریخی هم مفید است؛ چرا که در این صورت امکان پوشش طیف وسیعی از بافت‌های تاریخی از میان مایه تا میراث با ارزش جهانی ممکن می‌شود.

آنچه آمد مشخصه‌ها و در مواردی سنجه‌هایی است که در زمان ارجاع به مفهوم بافت تاریخی تا به حال منظور شده‌اند. در راستای تنظیم این مشخصه‌ها، رجوع به تعریف یونسکو (۱۹۷۲) از میراث هم مفید است. در این تعریف، خیلی ساده، میراث هر آن چیزی است که از گذشته به نسل حاضر رسیده و باید به آیندگان هم منتقل شود. و می‌توان آن را به میراث طبیعی و فرهنگی، و میراث فرهنگی را به آثار منقول و غیرمنقول تقسیم کرد. میراث غیرمنقول هم شامل بناهای تاریخی، مجموعه‌های تاریخی و سایت‌های باستان شناسی است.

محوطه‌ها یا سایت‌های باستانی مشتمل بر مکان یا اماکن فعالیت انسان و دوریزهای مرتبط با او است؛ یعنی جایی که مردم در گذشته در آنجا مشغول کاری بوده و برخی از بقایای مربوط به آن را به جا گذاشته (دجروت، ۱۳۹۲، ۳۳). این تعریف از سایت باستان‌شناسی نشان می‌دهد که شرط تقسیم در تعریف میراث توسط یونسکو برآورده نشده است؛ چرا که طبق تعریف محوطه‌ی باستان‌شناسی می‌تواند بنا یا مجموعه بناهای تاریخی هم باشد. از این رو به نظر می‌رسد می‌توان تقسیم بندی را به این شکل اصلاح کرد که میراث غیرمنقول شامل تک بناها یا بقایای شان، و مجموعه بناهای تاریخی یا بقایای شان می‌شود. مجموعه بناهای تاریخی هم بر اساس مالکیت شامل مجموعه‌های تاریخی خصوصی و عمومی هستند. مجموعه‌های تاریخی عمومی را می‌توان طبق تفکیکی که بهشتی (۱۳۹۴) بر اساس ارتباط میان بناهای تاریخی؛ یعنی اتصال یا انفصال‌شان، به دو گروه بافت تاریخی یا مجموعه بناهای متصل و پهنه تاریخی یا

استفاده اصطلاح بافت تاریخی در ادبیات معماری و حفاظت، برای نگارنده سوالاتی معطوف به چستی اش شکل گرفت؛ که چه می‌شود جایی را بافت تاریخی خطاب می‌کنیم یا نمی‌کنیم؟ نبود معیارهایی برای این تشخیص و تفکیک در منابع هم باعث شد به منظور باز تعریف این اصطلاح، ویژگی‌های معرف بافت تاریخی بنابر توصیفی که از آن از منابع گردآوری شد و بررسی امکان تطبیق همجواری نظری شان، مشخص شده و در قالب تعریف جنس و فصل به عنوان کاراترین نوع تعریف بر اساس هدف پژوهش نهاده شوند. بر این اساس بافت تاریخی میراث فرهنگی غیر منقول در قالب مجموعه اصیل و منسجم از فضاهای تاریخی است که فرآیند شکل‌گیری آن ادامه دارد، نسبت فضاهای تاریخ دورش به تاریخ نزدیک بیشتر و به طور بالقوه یا بالفعل مناسب زندگی روزمره است. این تعریف، اگر صادق باشد، مهمترین دستاوردش بعد از ایجاد یک معنای بین‌الذهانی، قابلیت کاربست اش در عمل است؛ هم در شناسایی و هم در مداخله. و این دستاورد تنها با اشتراک این بازتعریف است که دست یافتنی می‌شود.

نزدیک بیشتر از یک باشد، فرآیند شکل‌گیری اش ادامه یابد و برای زندگی روزمره برای عموم مردم، بالفعل یا بالقوه، مناسب باشد، آنگاه حتماً بافت تاریخی است و این یعنی ما هیچ مصداق بافت تاریخی که این شرایط را نداشته باشد، نداریم (شکل ۳). از این رو این شروط، شروط کافی یا فصل بافت تاریخی اند. البته طبق شکل ۱ این را نباید بدین معنا گرفت که بافت با این شروط قابل تعریف است. بخش‌های غیر همپوشان به این نکته اشاره دارند که همواره شروط شناسایی نشده را هم باید در نظر گرفت.



شکل ۳- شروط بافت تاریخی (منبع: نگارنده).

نتیجه‌گیری

این نوشتار از آنجایی شروع شد که با وجود تداول در

پی‌نوشت

ⁱ شکل منطقی این نیز چنین است که الف شرط لازم ب است اگر و تنها اگر الف آنگاه ب.

ⁱⁱ نمی‌توان ادعای تغییر پارادایم در ۱۹۷۲ را بر این مبنا مطرح کرد.

ⁱⁱⁱ Francesco Bandarin

^{iv} Ores

^v Bianca

^{vi} Dutch

^{vii} Value

^{viii} Authenticity

^{ix} Integrity

^x Location

^{xi} Sprit

^{xii} feeling

^{xiii} operational guidelines for implementation of the world heritage convention

^{xiv} Wholeness

^{xv} Intactness

^{xvi} تعیین دقیق این نسبت و گزینش اصطلاح‌های متناسب در این مسیر می‌تواند مفید باشد.

منابع

- بهشتی، محمد (۱۳۹۴). بافت تاریخی یا پهنه‌ی تاریخی؛ رسانه‌ها عامل فعال‌سازی سیستم عصبی بافت تاریخی. چیدمان، شماره ۱۰، صص ۱۸-۲۳.
- تیدمن، پل و کهین، هاوارد (۱۳۹۹). درآمدی نو به منطق؛ منطق‌های قیاسی، استقرایی، موجهات، معرفتی، بایایی و نظام‌های اصل

• هیوز، و، لیوری، ج و دوران، ک (۱۴۰۲). کتاب مهارت های پایه ای تفکر انتقادی. ترجمه ی یاسر خوشنویس. تهران: اختران.

موضوعی. ترجمه ی رضا اکبری. تهران: دانشگاه امام صادق.

- حناچی، پیروز (۱۳۹۱). مرمت شهری در بافت های تاریخی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خندان، علی اصغر (۱۳۹۹). منطق کاربردی. تهران: سمت.

• شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۴)، مصوبه ابلاغ محدوده تاریخی ۱۶۸ شهر کشور و تعیین رویکرد های کلی حفاظت و احیاء محدوده های تاریخی - فرهنگی در تهیه سند واحد بافتهای تاریخی،

• شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۶)، اصلاح مصوبه ۲۷/۷/۱۳۹۴ - ابلاغ محدوده تاریخی ۱۶۸ شهر کشور و تعیین رویکرد های کلی حفاظت و احیاء محدوده های تاریخی - فرهنگی در تهیه سند واحد بافتهای تاریخی،

• شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (۱۳۹۶). مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران پیرامون اصلاح مصوبه ۲۷/۷/۱۳۹۴ - ابلاغ محدوده تاریخی ۱۶۸ شهر کشور و تعیین رویکرد های کلی حفاظت و احیاء محدوده های تاریخی - فرهنگی در تهیه سند واحد بافتهای تاریخی - فرهنگی.

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show>

(۱۰۲۷۱۱۹/۱)

• عالی، حسین، تاجیک، شهرام (۱۳۸۷). مرمت و احیای بافت های تاریخی. تهران: جام جم.

• عبدی، محمدعلی، مهدیزاگان، سیما، جلاوندی، مجید (۱۳۹۱). مروری بر تجارب بهسازی و نوسازی بافت های شهری در برخی کشورها. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.

• ملکیان، مصطفی (۱۴۰۱). دوره درسگفتار «آشنایی با ۴۰۰ مفهوم فلسفی برای علوم انسانی» تهران: خانه ی آشنا.

- Adam, Tobert (2010), Lesson from History in Conservation of Historic Urban Landscapes, in Managing historic Cities, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- Bandarin, Francesco (2009). Preface in World Heritage Cultural Landscapes; A Handbook for Conservation and Management, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- Bianca, Stefano (2010) Historic Cities in 21th Century: Core Values for Globalizing World, in Managing historic Cities, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- Duch, Danial (2010), From Individual Structure to Historic Urban Landscape Management; the French Experience, in Managing historic Cities, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- Feilden, Bernard M. and Jukilehto, Jukka (1998), Management Guidelines for World Cultural Heritage Sites, Italy: Ograro press.
- ICOMOS, (1972), The International Symposium on the Introduction of Contemporary Architecture into Ancient Groups of Buildings
- ICOMOS, (1987), The Washington Charter: Charter on the Conservation of Historic Towns and Urban Areas,
- Jukilehto, Jukka (2010), Reflection on Historic Urban Landscapes as a Tool for Conservation, in Managing historic Cities, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- Kader, Abdel (2010), Infill Design in Heritage Sites; Study of Expert's preferences and Attitudes, Journal of Engineering and Applied Science, 60 (4), 451-463.
- Oers, Ron Van (2010), Managing cities and the historical Urban landscape Initiative: An Introduction, in Managing historic Cities, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- Rodwell, Dennis (2010), Historic Urban Landscapes; Concept and Management, in Managing historic Cities, World Heritage Centre, France: World Heritage Centre.
- UNESCO, (1968), Recommendation concerning the Preservation of Cultural Property Endangered by Public or Private Works.
- UNESCO, (2008), Declaration of Quebec.
- Zancheti, Silvio Mendes; Hidaka, Lúcia Tone Ferreira (2012), Measuring urban heritage conservation: indicator, weights and instruments (part 2), Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development; Bingley, 2 (1), DOI 15-26. DOI:10.1108/20441261211223243